

*Research Article*

## comparative Study of Abolqasem Halat and Ahmad Matar Satirical Implementations

Mohammad Amin Ehsani Estahbanati<sup>1</sup>, Enayatollah Sharifpour<sup>2\*</sup>, Mohammad Reza Sarfi<sup>3</sup>

### Abstract

Satire is one of the ways of spoken combat of speakers through which political and social structures are challenged. There are a variety of methods to make satirical implementation and speakers use their desired way, depending on the intended content of the speaking. In this research the poems of Abolqasem Halat, an Iranian poet and Ahmad Matar, an Iraqi poet, were analyzed regarding the use of satirical methods and we concluded that the difference in contents of the poems of these two writers as well as discrepancy in time and place have caused different methods of satire to be used. Abolqasem Halat focused more on making laugh and amusing and challenging people's behavior and in some cases he has ridiculed the lawyers of assembly so he has created the mockery more through using vernacular words, repetition and irony of circumstances but Ahmad Matar has more focused on the political situations and his satire has been more serious and it doesn't include any fun or laughter and he used ironical methods and the metaphor of tyranny more.

**Keywords:** Abolqasem Halat, Ahmad Matar, Comparative Literature, political and social Satire

---

1. Ph. d Student of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

2\*. Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran  
e.sharifpour@uk.ac.ir

3. Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

## مطالعه تطبیقی طنزپردازی ابوالقاسم حالت و احمد مَطر

محمدامین احسانی اصطهباناتی<sup>۱</sup>، عنایت الله شریف پور<sup>۲\*</sup>، محمدرضا صرفی<sup>۳</sup>

### چکیده

طنز، یکی از روش‌های مبارزات کلامی گویندگان است که به واسطه آن، ساختارهای اجتماعی و سیاسی، به چالش کشیده می‌شوند. روش‌های طنزپردازی، بسیار متنوع است و گویندگان، بسته به مضمون کلام، شیوه‌های مورد نظر خود را، به کار می‌برند. در این پژوهش، اشعار ابوالقاسم حالت، شاعر ایرانی و احمد مطر، شاعر عراقی، از نظر کاربرد شیوه‌های طنز، بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که تفاوت مضمون اشعار دو شاعر و اختلاف زمانی و مکانی، موجب شده است شیوه‌های طنز متفاوتی به کار رود. ابوالقاسم حالت، بیشتر به جنبه خنده‌آوری و سرگرمی و به چالش کشیدن رفتارهای مردم توجه داشته و در مواردی هم، وکلای مجلس را به سُخره گرفته؛ از این رو، بیشتر از طریق کاربرد واژگان کوچه بازاری و تکرار و آبرونی موقعیت، ایجاد طنز نموده ولی احمد مطر، بیشتر به اوضاع سیاسی پرداخته و طنز وی، جدی‌تر بوده، وی خنده و شوخی ندارد و از شیوه‌های کنایه و استعاره تهکمیه، بیشتر بهره برده است.

**واژگان کلیدی:** ابوالقاسم حالت، احمد مطر، ادبیات تطبیقی، طنز سیاسی و اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، کرمان، ایران

e.sharifpour@uk.ac.ir

۲. دانشیار ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، کرمان، ایران

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

## ۱. مقدمه

نقد تطبیقی روشی است برای مقایسه آثار گویندگانی که در مکان‌های مختلف با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی می‌کنند. با این روش می‌توان به اشتراکات و اختلافات گویندگان که نماینده ملت‌ها هستند پی برد. نقد تطبیقی غالباً میان گویندگانی انجام می‌گیرد که در مقطع زمانی نزدیک به هم زیسته‌اند فایده نقد تطبیقی پی بردن به این موضوع است که گویندگان از مسایل و مشکلات مبتلا به ملت خود تا چه میزان تاثیر پذیرفته‌اند و تعهد آن‌ها در قبال مردم چه اندازه است. طنز یکی از روش‌های بیان اعتراض و متوجه نمودن مخاطب به اوضاع نابسامان است و با شیوه‌های مختلفی در آثار ادبی ایجاد می‌شود. ابوالقاسم حالت شاعر ایرانی و احمد مَطَر شاعر عرب از جمله افرادی هستند که سخنان اعتراض‌آمیز خود را از طریق زبان طنزآمیز بیان کرده‌اند. حالت، یکی از طنزپردازان پر کار معاصر است که سه دیوان شعر وی با عناوین: «ابوالعینک»، «شوخ» و «خروس لاری» به‌طور ویژه به طنز اختصاص دارد و به لحاظ زمانی، دوره‌های پهلوی اول و دوم را در بر می‌گیرد. حالت، در این دیوان‌ها، فساد و تباهی سیاسی و اجتماعی عصر خویش را با نگاهی انتقادی، زبانی ساده و نیش‌دار، به تصویر کشیده است. احمد مَطَر نیز شاعر عراقی اهل بصره است. او هفت دیوان شعر به نام لافتات دارد که سروده‌های آن زبان حال مردم است و در اغلب آن‌ها زبان طنزآمیز به کار رفته است. در این پژوهش با هدف شناخت روش‌های طنزپردازی این دو شاعر به مقایسه‌ای تطبیقی پرداخته می‌شود و پرسش اصلی این است که دو شاعر مذکور از طریق کدام یک از شیوه‌های طنزپردازی مقصود خود را بیان نموده و شباهت و تفاوت مضامین و شیوه‌های آن‌ها در چیست:

- کدام یک از شیوه‌های طنزپردازی بیشتر مد نظر ابوالقاسم حالت و احمد مَطَر بوده است؟

- ابوالقاسم حالت و احمد مَطَر بیشتر به چه مضامینی پرداخته‌اند؟

- شباهت و تفاوت شیوه‌های طنزپردازی ابوالقاسم حالت و احمد مَطَر چیست؟

طنز و طنزپردازی از روش‌های مؤثر مبارزه فرهنگی است و اهمیت دادن به این روش و تحقیق درباره این آثار ضرورت دارد. دو شاعر مورد بحث از طنزپردازان مطرح روزگار خود هستند و نزدیکی ملت ایران با اعراب از نظر فرهنگی و شباهت مسائل مبتلا به دو جامعه ایجاب می‌کند تا با روش تطبیقی به تشابهات این دو شاعر به عنوان نماینده دو ملت پی ببریم. روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شیوه نقد تطبیقی است.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره احمد مَطَر و ابوالقاسم حالت تحقیقاتی انجام شده و مقالاتی نوشته شده است اما هیچ کار تطبیقی و مقایسه‌ای، در مورد این دو دیده نشد. برخی تحقیقاتی که در این رابطه است، معرفی می‌شود.

- ساکنیان دهکردی (۱۳۸۷) در مقاله با عنوان «رویکردی به ادبیات طنز با جستاری در شعر ابوالقاسم حالت» ضمن اشاراتی موجز به تاریخچه طنز در گذشته و حال و ذکر نمونه‌هایی از طنزپردازی شاعران، اشعار حالت را بررسی نموده و با نمونه‌هایی نشان داده است که وی از اشعار طنز حافظ تاثیر

پذیرفته و همچنین برخی از ویژگی‌های طنز وی مانند کاربرد ایهام، اندیشه‌سازی، سرزنش رفتارهای اجتماعی، داستان سرایی، پرداختن به ادبیات سیاسی معرفی شده است. در این مقاله به شیوه‌های طنز پردازی اشاره ای نشده است.

- مختاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «طنز سیاسی- اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مطر» ضمن مقایسه‌ای میان این دو شاعر از نظر مضامین طنزآمیز به این نتیجه رسیده‌اند که احمد مطر نسبت به عبید ادب را رعایت نموده و طنزهایش به هجو و هزل منجر نشده است. همچنین مطر طنز خود را برای مبارزه با حکومت به کار گرفته و توانسته حس مخالفت مردم را از اوضاع نابسامان حکومت برانگیزد.
- حسینی موخر و نجات (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی درونمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» ضمن مقایسه‌ای میان این دو شاعر تنها به ادب اعتراض و ذکر نمونه‌هایی از این نوع ادبیات در شعر دو شاعر مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده که طنز در اشعار اعتراضی این دو شاعر حضوری پر رنگ دارد.
- جعفری قریه علی و پورینی اسدی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی شگردهای داستانتک پردازی در بحر طویل‌های ابوالقاسم حالت» عناصر بحر طویل‌های ابوالقاسم حالت را که نوعی داستانتک هستند بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بیان شاعر در طرح ادبی داستانتک‌ها طنز گونه بوده و برخی عناصر داستانی مانند گفت و گو برای ایجاد موقعیت‌های طنزآمیز استفاده شده است.
- مقالات دیگری در زمینه طنز این دو شاعر نوشته شده که هیچ یک به شیوه‌های طنزآمیزی نپرداخته‌اند: عسگری، مهرناز و فاضلی، مهبود، صلاحی‌مقدم، سهیلا (۱۳۹۸) تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمد علی افراشته» براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م)، فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۶ ش ۶۴ ص ۵۷-۸۸.
- رجبی، فرهاد (۱۳۹۱) رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر، مجله زبان و ادبیات عربی، ش ۷، ص ۱۰۲-۷۳.
- گوشه‌نشین، فاطمه و تاج بخش، پروین و شرافتی گورابی، زینب، ۱۴۰۰ ش، «بررسی تطبیقی «دیوان شوخ» از ابوالقاسم حالت و «بدوی سرخ پوست» از محمد ماغوط» فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، ش ۵۹، ص ۲۶۷-۲۴۳.

### ۳. طنز و طنزپردازی

طنز در لغت به معنی تمسخر و استهزاء است و در اصطلاح ادب به آن دسته از آثار ادبی گفته می‌شود که با دستمایه آبرونی و تهکم و طعنه به نشان دادن عیب‌ها و زشتی‌ها و نادرستی‌ها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد. در فرهنگ اصطلاحات ادبی، طنز معادل واژه لاتینی satir و از کلمه satira و satura از زبان لاتینی دانسته شده که در معنی ظرفی پر از میوه است که به یکی از خدایان زراعت هدیه می‌کرده‌اند. (داد، ۱۳۷۸: ۳۴۰)

در معنای اصطلاحی، به آثاری گفته اطلاق شده که با دستمایه آبرونی و تهکم و طعن به استهزا و نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد. (داد، ۱۳۷۸: ۳۳۹)

### ۱.۱. روش‌های طنزپردازی

شگردهای طنزپردازی، عبارت از شیوه‌هایی است که در طنز به کار برده می‌شود (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷) این شگردها می‌توانند در محور عمودی یا افقی یا هردو ظاهر شوند و صوری باشند؛ یعنی در قلمرو بازی‌های زبانی قرار گیرند. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۹۳) هر گوینده به اقتضای حال و مقام و به سلیقه خود از روش‌هایی استفاده می‌کند. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

#### الف. کوچک کردن موضوع مورد بحث

در این روش نویسنده شخصی را که می‌خواهد مورد انتقاد قرار دهد، او را از هر لحاظ جسمی یا معنوی کوچک می‌کند معادل دیگر کوچک کردن را می‌توان «خرد نمایی» دانست معادل انگلیسی خرد نمایی understatement است. خردنمایی متضاد اغراق است و حالتی را بیان می‌کند که در آن پدیده‌های مهم و با اهمیت، کوچک جلوه داده می‌شود. (اصلانی، ۱۳۷۵: ۱۱۲) این روش را می‌توان اغراق در کم بینی شمرد.

#### ب. بزرگ نمایی

این روش در مقابل کوچک کردن است در این روش نیز طنز نویس سعی می‌کند با اغراق و غلو مطلبی یا رفتار شخصی را بزرگتر از آنچه هست نشان دهد. این روش در رسم کاریکاتور کاربرد بسیاری دارد. این روش اغراق نیز نامیده می‌شود که نمونه‌هایی از آنرا در کتاب‌های حماسی می‌توان دید.

#### ج. تقلید طنز آمیز (حماسه مضحک)

حماسه مضحک گونه‌ای ادبی است که در آن عناصر دو گونه ادبی کاملاً متفاوت حماسه و طنز، برای بیان هدفی واحد مورد استفاده قرار می‌گیرد. گوینده با در نظر گرفتن نوشته یا شعری جدی با همان سبک مطلبی طنز آمیز را عنوان می‌کند. حماسه مضحک با رویکرد به طبقات پائین‌تر جامعه با سبکی حماسی گونه به موضوعاتی ساده و مبتذل می‌پردازد و ضمن خنداندن، غرور و عظمت دروغین را در روزگار، سفله پرور روایت می‌کند. (اصلانی، ۱۳۸۵: ۱۰). هنگامی که کودکان ادای حرکات پدر و مادر خود را در می‌آورند در واقع رفتار آن‌ها را مورد استهزاء قرار داده‌اند و این مطلب وقتی جنبه طنز پیدا می‌کند که خصوصیات این اشخاص به صورت مبالغه‌آمیزی مورد استهزاء قرار گرفته باشد. این نوع تقلید در انگلیسی parody خوانده می‌شود یکی از انواع مهم طنز است و گونه خاصی از آن را ratesty یعنی طنز آمیز می‌گویند. (جوادی، ۱۳۸۴: ۲۹)

#### د. کنایه طنز آمیز یا نقل قول مستقیم

این نوع طنز به شکلی داستانی یا به واسطه دیالوگی نمایشی اجرا می‌شود. برای اجرای این منظور معمولاً طنز نویس چند نفر از شخصیت‌های مورد نظر را در شعر یا نثر قرار می‌دهد و به عنوان دیالوگ از سخنان واقعی آن اشخاص استفاده می‌کند. در مواردی ممکن است نویسنده نقل قول‌ها را به طور مضحکی

خارج از رشته اصلی کلام بیاورد و یا در برخی بخش‌ها سخنان خودش را بنویسد و تمامی مطلب عنوان شده و نحوه بیان آن طوری خنده آور باشد که بشود تمامی یا بیشتر آن را بدون دست بردن و تغییر دادن نقل کرد. (جوادی، ۱۳۸۴: ۴۲)

### ه. استعاره تهگمیه

این نوع ادبی از نظر لغوی به معنی مسخره کردن و استهزاء و دست انداختن و از فروعات استعاره عنادیه است. بنای تهگم بر ضدیت میان لفظ و معنی است که معمولاً این حس طعنه‌آمیز، در لحن کلام منعکس می‌شود و ابزار آن زبان کنایی است. دکتر شمیسا در این مورد می‌گوید، این نوع استعاره برای طنز به کار می‌رود و ربط بین مستعار له و مستعار منه کمال تضاد است نه شباهت. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: که کافران را به عذاب سخت مژده بده. «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» که کلام جنبه طنز یافته است؛ زیرا کسی را به عذاب مژده نمی‌دهند. (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۷۵) بنابراین، تهگم، نوعی وارونه گویی است که در ظاهر کلام، فردی را ستایش می‌کنند اما لحن کلام نشان می‌دهد که مقصود تحقیر فرد است. این حس طعنه‌آمیز در لحن کلام منعکس می‌شود و ابزار آن، زبان کنایی است:

ناصرم گفت به جز غم چه هنر دارد عشق  
گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این

### ز. کنایه

کنایه، در لغت به معنی پوشیده گفتن است و در اصطلاح علمای بیان « ذکر جمله با ترکیبی است که به جای معنی ظاهری، مراد یکی از لوازم معنی آن است. » (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۶۶)  
و به عبارت دیگر، کنایه ترک تصریح است یعنی ذکر لازم و اراده ملزوم، به ظاهر چیزی می‌گویند اما معنی دیگری افاده می‌شود؛ مثلاً: «فلان کس طویل الید است، یعنی بر کار مسلط است.

### ح. آبرونی

تکنیک دیگری که در طنزپردازی به کار می‌رود در انگلیسی «آبرونی» نام دارد. به معنی صناعتی عام است که نویسندگان با شاعر به واسطه آن معنایی مغایر با بیان ظاهری در نظر دارد. در ادبیات فارسی، این صنعت را گاه به طنز و گاه به استهزاء و طعنه تعبیر کرده‌اند اما با وجود شباهت بسیار، آبرونی بسیار جامع‌تر از طنز و استهزاء است. (جوادی، ۱۳۸۴: ۳۸)

نزد ادیبان رومی بخصوص سیسرون و کوئنتیلیان «آبرونیا شیوه بدیعی است که در آن تا حد زیادی واژه با معنا متضاد است.» (کادن، ۱۳۸۰: ۲۰۵)

باید در نظر داشت خنده طنز شادمانی نیست بلکه اشاره و تنبیه اجتماعی است که هدف آن، البته اصلاح و تزکیه است نه ذم و مردم آزاری. گفتنی است هر چه مخالفت هنرمند و آزرده‌نگی و بغض او نسبت به حوادث شدیدتر و قوی‌تر باشد، به همان نسبت طنز کارا تر و دردناک‌تر است. چنین طنزی با رویکرد اجتماعی و سیاسی در گروه آبرونی قرار می‌گیرد. انواع طنزهای داستانی که موقعیت‌های خنده‌آوری پیش روی خواننده می‌گذارند مشروط بدان که جنبه غافلگیری داشته، نشان از معضلی اجتماعی دهند، آبرونیک هستند. گاهی ممکن است آبرونی طنز آمیز نباشد، اما دارای عنصر غافلگیری و اغراق و مجاز به

علاقه تضاد باشد و با یکی از تعاریف ایرانی آبرونی منطبق گردد که در این صورت نیز آنرا جزو آبرونی می‌دانیم. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۰)

آبرونی مبتنی بر تضاد یا تناقض است ولی مترادف با آنها نیست. در واقع یکی از ویژگی‌های آبرونی وجود تضاد است که این ویژگی در کنار سایر ویژگی‌هایی است که آبرونی را می‌سازد نه به تنهایی (غلامحسین زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

#### ۴. بررسی شیوه‌های طنزپردازی در اشعار ابوالقاسم حالت و احمد مطر

##### ۱.۴. ابوالقاسم حالت

###### الف. کنایه

حالت برای بیان این نکته که وکلای مجلس کاری برای مردم انجام نمی‌دهند پرسش و پاسخی را به نظم کشیده و کنایه می‌زند و آن‌ها را بی‌هنر و بیکاره می‌داند:

یکی بگفت به مردی که گر وکیل شوی  
بگفت با من بیکاره به که می‌گفتی

بگو چه کار تو در این دیار خواهی کرد  
بگفت با من بیکاره به که می‌گفتی

(حالت، ۱۳۷۰: ۱۲۵)

###### ب. حماسه مضحک یا پارودی

در این روش شاعر در قالب شعر کلاسیک و با مضمونی ظاهراً جدی، کلماتی به کار می‌برد که به شعر روح طنز و شوخی می‌دهد مانند کاربرد واژگانی چون: دراز به جای بلند برای قد و همچنین استفاده از نردبان برای بوسیدن یار در بیت زیر:

ای که چون قد درازت در جهان پیدا نشد  
خواستم بوس لب‌ت را نردبان پیدا نشد

(حالت، ۱۳۷۰: ۱۲۳)

این شعر مضمون اجتماعی ندارد و طعنه‌ای است که به قد و قامت بلند شخص زده می‌شود. کلمات نردبان و بوس با هم سازگاری ندارند و از این رو مخاطب از این وضعیت به خنده می‌افتد و متوجه کوتاهی قد راوی در برابر یار می‌شود.

حالت با استفاده از شعر حافظ و تضمین آن در شعر خود، وضعیت طنزآمیز ایجاد کرده و به وکلای مجلس می‌تازد و آن‌ها را اغیار و انعام می‌شمارد:

از وکالت بگذر با وکلا یار مشو  
زین وکیلان کذایی چه توقع دارید؟

«تا خرابت نکند صحبت اغیاری چند»  
«چشم انعام مدارید ز انعامی چند»

(حالت، ۱۳۶۸: ۱۲۹)

همچنین برای نشان دادن وضعیت وخیم فساد در جامعه و رشوه‌گیری می‌گوید:

«نصیحتی کمنت بشنو و بهانه مگیر» هر آنچه رشوه دهند این و آن تو را بپذیر

(همان: ۲۰۷)

همچنین برای نشان دادن فساد علما و عمل نکردن به سخنان خود چنین سروده است:

مرا کنند نصیحت ولی نمی‌شنوم «که وعظ بی عملان واجب است نشنیدن»

(همان: ۱۷۵)

در مثنوی که به وزن شاهنامه سروده شده فردی خیالی به نام «چاقلوس» را وصف می‌کند که شکم پرور و پرخور است:

چو شد تشنه و گرسنه چاقلوس  
 غریوی برآورد مانند کوس  
 که گر زود ناید پلو قاب قاب  
 من و گرز و میدان افراسیاب  
 چو از سفره بوی پلو شد بلند  
 به زانو درآمد یل ارجمند

(حالت، ۱۳۷۰: ۴۲۴)

### ج. ایهام

یکی از روش‌های ایجاد طنز ایهام است که شاعر با قرار دادن کلمات یا جملاتی با مفاهیم دوگانه، مخاطب را در گزینش معنی متحیر می‌کند. وی در هنگامی که می‌خواهد اعتراض خود را نسبت به تاپ غلط در روزنامه نشان دهد چنین می‌سراید:

گویند خط بد است نه کار حروفچین  
 گر در مقاله ای عوض «پوست»، «پست» چید  
 من خود دو روز پیش تر از بهر امتحان  
 گفتم بچین «درشت» ولیکن «درست» چید

(همان: ۱۳۸)

در این جا مخاطب شک می‌کند که آیا اشتباه حروفچین در نگذاشتن نقطه منظور شاعر است یا این که شاعر اشتباهاً گفته درشت بچیند ولی او کار خودش را بوده و گوش به این تذکر نکرده است. در شعر دیگری با استفاده از ضرب‌المثل، اعتراض خود را نسبت به حاکمانی که به فکر مردم نیستند بیان نموده است:

این دولتیان که رهبر مرد و زندق  
 شک نیست که یاغیان باغ وطنند  
 چون شاخ گل از پی صفا دادن باغ  
 هر گل که زندق بر سر خویش زندق

(همان: ۱۴۷)



در این شعر با قرار دادن «باغ» در کنار «باغبان» که با «باغبان» جناس خط دارد آرایه ادبی ایجاد نموده و در نگاه اول خواننده را به اشتباه می‌اندازد. در بیت بعدی مصراع دوم ایهام دارد به این معنی که کارهایشان به نفع خودشان است اما مفهوم دیگری هم از آن بر می‌آید به این معنی که نفع ایشان و مردم یکی است.

### د. آبرونی

در آبرونی گوینده چیزی می‌گوید و منظورش برعکس است یا این که حرفی را بر خلاف میلش از درون دل دیگران می‌گوید:

ای خوش آن کس که به خواب است و نجنبد از جای      من از این مردم بیدار بدم می‌آید

(همان: ۱۸۳)

نمونه‌های بسیاری از آن را در اشعار حالت می‌توان دید از جمله این شعر که در آن شیوه آبرونی موقعیت به کار رفته است:

خر به گل افتاد و چون وقت تلاش بنده شد      پای خر از گل نشد بیرون، دمش هم کنده شد  
کندتر از دنده یک می‌رود کارم ز پیش      کندتر از دنده یک می‌رود کارم ز پیش  
بس که وقت کار خواندم کرکری از بهرتان      روز بیکاری توانم بهترین خواننده شد

(همان: ۱۲۴)

همچنین است این شعر با عنوان «بد شانس» که در تمام ابیاتش این ویژگی دیده می‌شود:

هر کجا یاری رگفتن کودن و هالو در آمد      هر کجا اسبی خریدم بدتر از یابو درآمد  
هر که را از بهر یاری برگزیدم کرمکی شد      هر چه اینجا میوه چیدم سر به سر کرمو درآمد  
هر زمان در زیر زلف دلبری دستی کشیدم      زان کله گیس اوفتاد و کله اش بی مو درآمد

(حالت، ۱۳۶۲: ۱۱۹)

### ه. واژگان عامیانه

ادبیات طنز گاهی از طریق واژگان عامیانه ایجاد می‌شود برخی کلمات غیرادبی زمانی که در شعر واقع می‌شوند خود به خود لب را به خنده باز می‌کنند. حالت بیشتر از این روش استفاده نموده و اشعار خود را به سادگی به شکلی خنده‌دار درآورده است. در این اشعار بیشتر جنبه سرگرمی خنده مطرح است و اوضاع اجتماعی را به نحوی مضحک به تصویر می‌کشد:

خانم بنه سحر جیب مرا خالی کرد      پول‌هایی که سر صبح پرید از جیبم  
پسر توله سگم را عقب خویش انداخت      پول‌ها را همه برداشت به بازار آمد  
شادمان بهر خرید کت و شلوار آمد      تا سر شب همه در کیسه تجار آمد

(حالت، ۱۳۷۰: ۱۲۶)

در شعری با ردیف «طوری نشد» از بدکاری‌هایی می‌گوید که توسط راوی شعر انجام شده و اتفاقی نیفتاده است. منظور شاعر این است که در این روزگار هیچ کار بدی را کیفر نمی‌دهند:

در لباس رهنما و کار فرما و رئیس  
چون بلا بر مرد و زن نازل شدم طوری نشد  
نرم همچون توت گشتم حاصلی بهرم نداشت  
تند هم چون دانه لفل شدم طوری نشد

(حالت، ۱۳۷۰: ۱۲۲)

در شعر دیگری کلمات فراوانی را به شکل عامیانه به کار می‌برد که غالباً همه در قافیه به همراه ردیف «شد» آمده‌اند: دخو، هو، چطو، ولو، گو، الو، یابوی برو. در کنار این کلمات، تکرار کلمات و جملات دیگر نیز مزید گشته جنبه طنز را بالا برده است. این شعر وضعیت طنزپردازان و روزنامه‌نگاران را بیان کرده است:

هر کس که در این جامعه یک چند دخو شد  
از کار چو افتاد به پیش همه هو شد  
کاشانه نشین گشت چنان گشت چنین گشت  
دیگر چه بگویم که چطو بود و چطو شد  
دیگر چه بگویم که چطو بود و چطو شد  
هرگز نشنیدیم که یابوی برو شد

(همان: ۱۲۴)

حالت در شعر زیر که مضمونی سیاسی دارد خطاب به مردم می‌گوید:

باید به خدا سجده برد کس نه به شیطان  
در سجده چرا پیش اجانب دمریید  
دشمن مگذاری شما را بکند پوست  
زیرا نه خیارید نه شلغم نه لبویید

(حالت، ۱۳۶۸: ۱۰۴)

واژه عامیانه دیگری که در اشعار وی یافت می‌شود «جفتک پرانی» است که در این شعر آمده است:

بس که از اهل شرارت قدردانی می‌شود  
کار و بار هر خری جفتک پرانی می‌شود

(همان: ۱۰۴)

## ۲.۲. احمد مطر

### الف. کنایه

مطر در پرده طنز و هزل به بیان حقایق تلخ و وحشتناک سرزمین عراق و ملت‌های عربی می‌پردازد

(زینی وند، ۱۳۹۱: ۸۳)

هنگامی که می‌خواهد از حاکم وقت انتقاد کند با لحنی کنایه‌آمیز راجع به شیطان و پنهان کردن طینتش صحبت می‌کند و منظورش این است که حاکم است که اصلت خود را پنهان کرده و بر مردم حاکم شده است:

إبلیس فکَّرَ مَرَّةً فِی أَنْ یُطَوَّرَ شُغْلُهُ  
لِیَصیرَ أَكْثَرَ مُجْرِمًا وَ یَصیرَ أَكْثَرَ اِثْمًا  
و...غدا یُسَمَّى حاکمًا.

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۲۱)

یکبار ابلیس به این فکر افتاد که در شغش تحول ایجاد کند تا جرم و جنایت و نفاق و خونریزی و گناهش بیشتر شود پس نامش را پنهان کرد و حاکم نامیده شد منظور کنایه مطر این است که حاکمان از شیطان پلیدتر هستند اما این سخن را با کنایه‌ای آشکار بیان می‌کند. وی در شعر دیگری، با کاربرد کنایه در کلام، حاکم مغالزه‌گری را طعنه می‌زند و واژگان سیاسی امنیت و تروریسم را برای صحنه‌ای به کار می‌برد که با آن همساز نیست:

راقصه کفصین البان	فی باحه قصر السلطان
بین الحینِ و بین الحینِ یُراوِدُ جاریه عن قُبله	یَفْتُلُهَا ایقاعُ الطبله والسلطان التنبل
یُراوِدُها...	و احراسُ المنتشرون بكل مکان سدول
الحيطان.../ کي لا یخدشُ إرهابی امنَ الدوله	ثغرات

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۹۹)

در حیاط قصر سلطان نوای طبل رفاصه‌ای را که همانند شاخه‌های کوچک درخت سرو بود می‌پیچاند. سلطان تنبل گه گاهی از طریق بوسه با این کنیز مغالزه می‌کرد ... و نگهبانان در هر مکانی بودند و شکاف‌های دیوار را بسته بودند تا مبادا تروریستی امنیت دولت را خدشه‌دار کند.

لَعَنَ اللهُ الامير / لم يدع شيئاً لنا نسرّفه الا	ترکَ اللؤلؤنا ملحوظه / فوق الحصير / جاءَ فيها
الشخير	

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۷۷)

دزد برای ما یادداشتی روی حصیر گذاشت که در آن آمده بود: خداوند امیر را لعنت کند که چیزی جز خرناس برای دزدیدن ما باقی نگذاشت.

ب. آبرونی

وَ هَرَبْنَا نحو بيت الله منكم / فإذا في البيت بيتُ	و إذا آخرُ دعوانا سلاحُ ابيضُ. هدنا الياسُ /
ابيضُ	وفات الغرضُ
لم يعد من أملٍ يرجي سواكم / ايهاالحكام بالله	أقرضوا الله لوجه الله / قرضاً حسناً / وانقرضوا
عليكم	

(مطر ۲—۱: ۱۸۶)

از دست شما به خانه خدا گریختیم. ناگهان در خانه خدا کاخ سفیدی لانه کرده بود و آخرین درخواست ما سلاحی سرد است. ناامیدی ما را در هم شکست و هدف از دست رفت. دیگر به کسی جز شما امیدی نیست. ای حاکمان شما را به خدا سوگند به خاطر خدا به خدا قرضی نیکو دهید و منقرض شوید.

مطر در این شعر با استفاده از آیه قرآن<sup>۱</sup> و سنت قرض الحسنه، آبرونی به کار برده و منظورش این است که اشغالگران آمریکایی، جانشان را به عنوان قرض به خدا بدهند و شر خود را کم کنند. وی در تصویری متضاد، از سیاست‌های عجیب دولت انتقاد کرده چنین می‌نماید که هیچ چیز در جای خود نیست:

قَرَّرَ الحَاكِمُ اِصْلَاحَ الزَّرَاعِهِ      عَيْنَ الفَّلَاحِ شُرْطَى مُرُورٍ. وَابْنَهُ الفَّلَاحِ بِيَاعِهِ قَوْل  
قَفَزَهُ نَوْعِيهِ فِي الاِقْتِصَادِ/اَصْبَحْتَ بِلَدُنَّا الاُولَى      بِتَصْدِيرِ الجِرَادِ/ وَبَانْتِجَاجِ المِجَاعِ

(مطر: ۲۰۰۱: ۴۸۳)

حاکم قرارداد اصلاح زراعی را تصویب کرد. کشاورز مأمور راهنمایی‌وراندگی شد. دختر کشاورز باقلا فروش شد ... این جهشی در اقتصاد است. سرزمین ما در صادر کردن ملخ و تولید قحطی مقام اول را کسب کرد.

بخش آخر شعر ساختی آبرونیک دارد. در واقع منظور شاعر انتقاد از وضعیت صادرات است اما در ظاهر از مقام اول در آن صحبت می‌کند.

در این شعر راوی دو راه پیش روی شاعر می‌گذارد اما عملاً یک راه پیشنهاد می‌دهد: دو راه مقابل شاعر آزاده وجود دارد / وقتی که با دیوارهای سکوت مواجه می‌شود/ دو احتمال: یا بمیرد/ یا می‌میرد. (جمال آبادی، ۱۳۹۳: ۴۶) می‌توان معنی اول را مرگ اختیاری و معنی دوم را مرگ طبیعی دانست ولی در هر حال به عقیده وی برای شاعر امکان زندگی متصور نیست.

### ج. استعاره تهکمیة

مطر در شعری از کلمه بشارت استفاده می‌کند ولی مفهوم شعر منفی است. وی می‌گوید:

دَقَّ بَابِي كَائِنٌ يَحْمِلُ اِغْلَالَ العَبِيدِ/ بَشِيعٌ...      وَ فِي كَفْيِهِ نَعْيٌ.../ وَ بَعِينِيهِ وَعِيدٌ...  
قَالَ عِنْدِي لَكَ بَشْرَى.../ اِنْ تَكُنْ تَسْكُنُ بِالْاَجْرِ      فَلَنْ تُدْفَعَ بَعْدَ الْيَوْمِ اَجْرًا/ سَوْفَ يُعْطُونَكَ بَيْتًا  
فِيهِ قَضْبَانٌ حَدِيدًا.../ حَشْرٌ مَعَ الْخَرْفَانِ عِيدِ      قُلْتُ مَا هَذَا الْكَلَامُ؟ اَنْ اَعْوَامَ الْاَسَى وَآلَتِ وَ هَذَا  
خَيْرٌ عَامٍ. اِنَّهٗ عَامَ السَّلَامِ/ .../ قُلْتُ مَنْ اَنْتَ؟...      قَالَ: اَنْتَى الْعَامِ الْجَدِيدِ

(مطر، ۲۰۰۱: ۳۹۶)

موجودی که با خود غل و زنجیر بردگان را حمل می‌کرد در ما را کوبید. بسیار زشت بود و خبر مرگ با خود داشت و در دو چشمش تهدید...گفت: مژده‌ای برای تو دارم... اگر تاکنون با حقوقت روزگار می‌گذراندی پس از این حقوقی به تو پرداخت نمی‌کنند. خانه‌ای با شاخه‌های آهنی به تو خواهند داد گله‌ای از گوسفندان (کارگزاران حکومت) باز خواهند گشت! گفتم این چه حرفی است؟ سال‌های حزن و اندوه گذشته است و این بهترین سال است، سال صلح و آرامش است... گفتم تو کیستی؟ گفت: سال نو هستیم.

## د. اغراق

یکی از راه‌های طنزآمیزی، بزرگ کردن موضوع مورد بحث است. مطر در یکی از اشعار خود به مسئله سانسور پرداخته است. وی در این شعر به عناصری می‌پردازد که توسط ممیزی به آن‌ها ایراد وارد شده است. نام این شعر «کودن الدوله» است. راوی قصد دارد در مورد مشکلات اشغال وطن و دفاع مردم با سنگ و کلیه مسایلی که ملت عراق با آن درگیرند مقاله‌ای بنویسد و نوشته‌اش از طرف سردبیر مضمول سانسور می‌شود:

سردبیر نوشته‌هایم را تغییر داد و گفت: / از عبارات تحریک‌آمیز بپرهیز / مثلاً / مآسی را سبک‌تر بنویس / چرا نمی‌نویسی مآسی؟! / یفا مواسی / یا اماسی / شکل فعلی آن مسند نشینان را در تنگنا می‌گذارد / الاعزل را حذف کن.. / مدافع را هم حذف کن.... / ثوره را هم حذف کن / کشور در بهترین حالت ممکن به سر می‌برد... ( جمال‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸ )

در این شعر، منظور شاعر، همدستی سردبیر با ارباب جور و اشغالگران است که اجازه نمی‌دهند کلامی علیه آن‌ها نوشته شود.

## نتیجه

مقایسه اشعار طنز آمیز ابوالقاسم حالت و احمد مطر، نشان می‌دهد که نوع نگاه این دو، به دنیا یکسان نیست زیرا نحوه زندگی دو شاعر و زمان و مکان زندگی آن‌ها، دارای تفاوت‌های زیادی است. در آثار ابوالقاسم حالت، طنزهایی به کار رفته که نشان‌دهنده موقعیت ساده زندگی مردم و رفتارهای عادی آن‌ها است که به شکل طنزآمیز، بیان شده و بعضاً دارای تضادهایی با زندگی عادی است یا به شکلی اغراق‌آمیز نشان داده می‌شود. این نوع طنزها، بیشتر جنبه خنده و سرگرمی دارد ولی برخی موارد نیز به چشم می‌خورد که مسایل سیاسی و اجتماعی را به چالش می‌کشد. از این رو؛ در بیشتر اشعار حالت، آنچه موجب خنده می‌شود، کاربرد کلمات عامیانه غیرشعری است که همراه با تکرار، موجبات طنزآمیزی را فراهم می‌کند. آبرونی موقعیت نیز، از شیوه‌های رایج کاربردی اوست که اغلب برای نشان دادن وضعیت خنده‌آور به کار می‌رود. در مقابل وی، طنز احمد مطر، بیشتر طنز اجتماعی بوده و به شیوه کنایه، استعاره، تهکمیّه و آبرونی، از نظام حاکم انتقاد می‌کند. طنز مطر، تلخ و بیانگر نگاه معترضانه شاعر به مسایل جاری روز است که به نقد حکام می‌انجامد، اما حالت، کلیت جامعه، اعم از مردم و حکومت را، در نظر گرفته و با ایجاد موقعیت طنزآمیز، رفتار اقشار مختلف را، به نمایش می‌گذارد.

## منابع

- اصلانی، محمد رضا. ۱۳۸۵ش، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران: کاروان.  
 انوشه، حسن. ۱۳۷۶ش، فرهنگنامه ادب فارسی، چ ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
 جمال‌آبادی، موسی‌الرضا. ۱۳۹۳ش، ترجمه دیوان احمد مطر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه حکیم سبزواری.

- جوادى، حسن. ۱۳۸۴ش، **تاریخ طنز در ادبیات فارسی**، تهران: کاروان.
- حافظ، شمس الدین محمد. ۱۳۹۱ش، **دیوان اشعار**، نسخه غنی و قزوینی، تهران: فکر روز.
- حالت، ابوالقاسم. ۱۳۶۸ش، **دیوان شوخ**، چ ۲، تهران: سنایی.
- ..... ۱۳۷۰ش، **دیوان ابوالعینک**، تهران: ما.
- ..... ۱۳۶۲ش، **خروس لاری**، تهران: تالار کتاب.
- داد، سیما. ۱۳۷۸ش، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۱ش، **بیان**، چ ۲، تهران: فردوس.
- عیش، محمد. ۲۰۰۶م، **احمد مطر، شاعر المنفی**، ط ۱، بیروت: دارالیوسف.
- کادن، جی.ای. ۱۳۸۰ش، **فرهنگ ادبیات و نقد**، ترجمه کاظم فیروزمند، چ ۲، تهران: شادگان.
- مریچی، شمس الله. ۱۳۸۷ش، **مبانی فکری و زمینه های اجتماعی جریان های معاصر عراق**، قم: بوستان کتاب.
- مطر، احمد. ۲۰۰۱م، **الاعمال الشعریه الکامله**، ط ۲: لندن
- مقدادی، بهرام. ۱۳۷۸ش، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر**، تهران: فکر روز.

## مقالات

- آقاحسینی، حسین و آقازینالی، زهرا. ۱۳۸۷ش، «**تحلیل کنایه و آبرونی، ادبیات فارسی و انگلیسی**»، فصلنامه کوش نامه زبان و ادبیات فارسی، سال نهم، شماره هفدهم، صص ۱۲۷-۹۵.
- جعفری قریه علی، حمید و پورینی اسدی، لیلا. ۱۳۹۹ش، «**بررسی شگردهای داستانیک پردازی در بحر طویل های ابوالقاسم حالت**»، فنون ادبی، سال ۱۲، ش ۳، صص ۶۶-۵۳.
- حسینی موخر، محسن و نجات، احمد. ۱۳۹۵ش، «**بررسی تطبیقی درون مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوئه**»، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی-عربی، سال ۱، ش ۲، صص ۶۶-۳۹.
- رجبی، فرهاد. ۱۳۹۱ش، «**رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر**»، مجله زبان و ادبیات عربی، ش ۷، صص ۱۰۲-۷۳.
- زینی وند، تورج. ۱۳۹۱ش، «**طنز تلخ در شعر پایداری فلسطین**»، (مطالعه مورد پژوهش: شعر راشد حسین)، فصلنامه نقد ادب عربی معاصر دانشگاه یزد، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۰۱-۷۷.
- ساکتینان دهرودی، مهسا. ۱۳۸۷ش، «**رویگردی به ادبیات طنز با جستاری در شعر ابوالقاسم حالت**»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال سوم، ش ۸، صص ۹۴-۶۹.
- عسگری، مهرناز و فاضلی، مهیود، صلاحی مقدم، سهیلا. ۱۳۹۸ش، «**تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنز آمیز «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمد علی افراشته» بر اساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م)**»، فصلنامه پژوهش های ادبی سال ۱۶ ش ۶۴، صص ۸۸-۵۷.
- غلامحسین زاده، غلامحسین و دیگران. ۱۳۹۰ش، «**مقایسه آبرونی با صناعات بلاغی فارسی**»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۹، ش ۷، صص ۱۳۵-۱۰۷.

گوشه نشین، فاطمه و تاج بخش، پروین و شرافتی گورابی، زینب. ۱۴۰۰ ش، «بررسی تطبیقی «دیوان شوخ» از ابوالقاسم حالت و «بدوی سرخ پوست» از محمد ماغوط» فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ش ۵۹، صص ۲۶۷-۲۴۳.

مختاری، قاسم، سپهری نیا، جواد و جوکار، سمیرا. ۱۳۹۲ ش، «طنز سیاسی - اجتماعی در اندیشه های عبید زاکانی و احمد مَطَّر»، کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۳، ش ۱۲، صص ۱۴۶-۱۲۱.

## References

- Aslani, MohammadReza. (1385). Dictionary and satirical terms, Tehran: Karvan.
- Anooshe, Hasan. (1376). Dictionary of Persian literature, Second edition, Tehran: ministry of cultural and Islamic guidance.
- Jamalabadi, Mosa Alreza. (1393). The translation of poetry book of Ahmad Matar, the M.A thesis of translation studies of Arabic language, Hakim Sabsevari University.
- Javadi, Hasan. (1384). The history of satire in Persian literature, Tehran: Karvan.
- Hafiz, Shams Aldin Mohammad. (1391). The book of poetry, the rich and Ghazvini edition, Tehran: Daily thinking.
- Halat, Abolqasem. (1368). The funny book of poetry, Second edition, Tehran: Sanai.
- ..... (1370). The poetry book of Aboleinak, Tehran: Ma.
- ..... (1362). Wild Looster, Tehran: Book Forum.
- Dad, Sima. (1378). The dictionary of literary terms, Tehran: pearls.
- Shamisa, Siroos. (1371). Expression, Second edition, Tehran: Ferdos.
- Ayesh, Mohammad. (2006). Ahmad Matar, Exile poet, Beirut: Daralyousef.
- Kaden, G, A. (1380). The dictionary of literature and criticism, Translated by Kazem Firoozmand, Second edition, Tehran: Shadman.
- Livon. (1996m). Literary studies quarterly, 16th year, number 64, pages 57-88.
- Mariji, Shams Alah. (1387). The mental introduction and social background of contemporary events in Iraq, Qom, garden of books.
- Matar, Ahmad. (2001). A complete poetry implementation, London.
- Meghdadi, Bahram. (1378). Dictionary of literary criticism terminologies from Plato until the contemporary era, Tehran, Daily thinking.

## Article

- Agha Hosseini, Zahra, Zeinali, Hossein. (1387). Comparative analysis of irony, English and Persian literature, quarterly letter of exploring, 9th year, number 17.
- Jafari Ghariye Ali, Hamid, & Poorini Asadi, Leila. (1399). (Analysis of tricks of writing short stories in Abolqasem Halat's lengthy measures). Literary technicalities, 12th year, Number 3, page 53-66.
- Hossein Mokhar, Mohsen, & Nejat, Ahmad. (1395). Comparative analysis of theme of complain in Ahmad Matar and Alireza Ghazve poetry, two quarterlies of comparative studies of Persian-Arabic, First year, number 2, page 39-66.
- Rajabi, Farhad. (1391). The prophecy of satire in poetry of Mirzade Eshqi and Ahmad Matar, The magazine of Arabic literature, number 7, pages 73-102.

- Zeini Vand, Tooraj. (1391). Bitter satire in philistine 's resistance, (case study being researched: Rashed Hossein's poem), Quarterly of modern criticism of Arabic literature, Yazd: Yazd University.
- Sakeniyan Dehkardi, Mahsa. (1387). An approach to satirical literature with a query in Abolqasem Halat's poem, The quarterly of faculty of literature and humanities, 3rd year, number 8 and 9, pages 64-69.
- Asgari, Mehrnaz, & Fazeli, Mabod, Salahi Moghadam, Sohaila. (1398). A critical analysis of two satirical works of art (poetry book of wild looser) by Abolqasem Halat and A collection of works of (Mohammad Ali Afrashte) based on Wen model.
- Gholam Hossein Zade, GholamHossein, et al. (1390). Comparison of irony with Persian rhetorical production, A Persian and English literature quarterly, 19th year, number 7, page 107-135.
- Gousheh neshin, Fatemeh and Tajbakhsh, Parvin and Sherafati Goorabi, Zeinab. (1400), "Comparative study of" Divan Shokh "by Abolghasem Halat and" Badviye Sorkhpoost "by Mohammad Maaghout" Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Islamic Azad University of Jiroft Branch, Vol. 59, pp. 267-243.
- Mokhtari, Ghasem, Sepehrnia, Javad, & Jokar, Samira. (1392). Social-political satire in thoughts of Obeid Zakani and Ahmad Matar, An exploring letter of comparative literature, Faculty of literature and humanities, Razi university of Kermanshah, 3rd year, number 12, page 121-146.

ارجاع: احسانی اصطهباناتی محمدامین، شریف پور عنایت الله، صرفی محمدرضا، مطالعه تطبیقی طنزپردازی ابوالقاسم حالت و احمد مَطَر، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۶۷-۱۵۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی